

رساله یعقوب رسول

معرفی رساله

این نامه یعقوب که برادر عیسی مسیح و رهبر کلیسای اورشلیم بود، به تمام پیروان خدا در سراسر جهان نوشته شده است.

نویسنده در این نامه به کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند، می نویسد: کافی نیست یک شخص ادعا کند که به خدا ایمان دارد و مسیحی است، بلکه لازم است او این ادعای خود را در رفتار و عمل زندگی مسیحی خود نیز ثابت سازد. یعقوب رسول به صورت واضح و روشن به توضیح راه‌های عملی رفتار مسیحی مثل ثروت، فقر، وسوسه، رفتار نیک، تعصب، ایمان و عمل، به‌کار بردن زبان، حکمت، اختلافات، تکبر، فروتنی، قضاوت کردن دیگران می‌پردازد.

نویسنده بر این نکته تأکید می‌کند که ایمان با عمل برای دینداری بی‌ریا و پاک بسیار مهم است و ثمر آن در درخت زندگی می‌تواند مشاهده شود.

فهرست موضوعها:

مقدمه: فصل ۱ : ۱

ایمان و حکمت: فصل ۱ : ۲ - ۸

فقر و ثروت: فصل ۱ : ۹ - ۱۱

وسوسه و آزمایش: فصل ۱ : ۱۲ - ۱۸

شنیدن و عمل کردن: فصل ۱ : ۱۹ - ۲۷

هوشدار در مورد تبعیض: فصل ۲: ۱ - ۱۳

ایمان و عمل: فصل ۲: ۱۴ - ۲۶

زبان مسیحی: فصل ۳

مسیحیان و جهان: فصل ۴: ۱ - ۵: ۶

دستورات گوناگون: فصل ۵: ۷ - ۲۰

۱ یعقوب بنده خدا و بنده عیسی مسیح خداوند به دوازده طایفه اسرائیل که در سراسر عالم پراکنده‌اند، سلام می‌فرستد.

ایمان و حکمت

۲ ای برادران من، هرگاه دچار آزمایش‌های گوناگون می‌شوید، بی‌نهایت شاد باشید،^۳ چون می‌دانید اگر خلوص ایمان شما در آزمایش ثابت شود، بردباری شما بیشتر می‌شود؛^۴ و وقتی بردباری شما کامل شود، شما انسان‌های کامل و بی‌نقصی شده و به چیزی محتاج نخواهید بود.^۵ اگر کسی از شما بدون حکمت باشد، آنرا از خدا بخواهد و خدایی که همه چیز را با سخاوت می‌بخشد و انسان را سرزنش نمی‌کند، آنرا به او خواهد داد.^۶ اما او باید با ایمان بخواهد و در فکر خود شک نداشته باشد، چون کسی که شک کند مانند موج بحر است که در برابر باد رانده و متلاطم می‌شود.^۷ چنین شخصی نباید گمان کند که از خداوند چیزی خواهد یافت،^۸ چون شخص دو دل در تمام کارهای خود ناپایدار است.

فقر و ثروت

۹ برادر مسکین به سرافرازی خود در برابر خدا فخر کند^{۱۰} و برادر

ثروتمند نیز از ناچیزی خود، زیرا او مانند گلِ علف زودگذر است.
^{۱۱} همین که آفتاب با گرمای سوزان خود بر آن می‌درخشد علف را می‌خشکاند، گلِ آن می‌ریزد و زیبایی آن از بین می‌رود. شخص دولت‌مند نیز همین‌طور در میان فعالیت‌های خود از بین می‌رود.

آزمایش و وسوسه

^{۱۲} خوشا به حال کسی که در برابر وسوسه از پای در نیاید، زیرا وقتی آزموده شود، تاج زندگی را که خداوند به دوستداران خود وعده داده است، خواهد گرفت. ^{۱۳} کسی که گرفتار وسوسه می‌شود، نباید بگوید: «خداوند مرا به وسوسه انداخته است» چون خداوند از بدی مبرا است و کسی را به وسوسه نمی‌اندازد. ^{۱۴} انسان وقتی دچار وسوسه می‌شود که مجذوب و فریفته شهوات خود باشد. ^{۱۵} در نتیجه، شهوت حامله می‌شود و گناه را تولید می‌کند و وقتی گناه کاملاً رشد کرد، باعث مرگ می‌شود.

^{۱۶} ای برادران عزیز من، خود را فریب ندهید. ^{۱۷} تمام بخشش‌های نیکو و هدایای کامل از آسمان و از جانب خدایی می‌آید که آفریننده نور است و در او تغییر و تیرگی وجود ندارد. ^{۱۸} او بنا به اراده خود و به وسیله کلمه حقیقت ما را آفرید تا ما نمونه‌ای از خلقت تازه او باشیم.

شنیدن و انجام دادن

^{۱۹} بنابراین ای برادران عزیز من، هرکس باید زود بشنود، دیر جواب دهد و دیر عصبانی شود. ^{۲۰} چون عصبانیت انسان به هدف‌های نیکوی خدا کمک نمی‌کند. ^{۲۱} پس هر نوع عادت

ناشایست و رفتار شرارت‌آمیز را از خود دور کنید. خود را به خدا بسپارید و کلامی را که او در دل‌های شما کاشته و می‌تواند شما را نجات بخشد، با فروتنی بپذیرید.

^{۲۲} مطابق کلام او عمل کنید و فقط با شنیدن خود را فریب ندهید،

^{۲۳} چون کسی که به کلام گوش می‌دهد ولی مطابق آن عمل

نمی‌کند، مانند کسی است که به آینه نگاه می‌کند و چهره طبیعی

خود را در آن می‌بیند. ^{۲۴} او خود را می‌بیند ولی همین که از پیش

آینه دور می‌شود، فراموش می‌کند که چهره‌اش چگونه بود. ^{۲۵} اما

کسی که با دقت به شریعت کامل و آزادی بخش نگاه کند و همیشه

متوجه آن باشد و شنونده فراموشکاری نباشد بلکه مطابق آن رفتار

کند، خداوند تمام کارهای او را برکت خواهد داد. ^{۲۶} اگر کسی

گمان می‌کند که آدم دینداری است ولی زبان خود را نگاه

نمی‌دارد، خود را فریب می‌دهد و ایمان او بی‌فایده است.

^{۲۷} دیانت پاک و بی‌آلایش در برابر خدای پدر این است که وقتی

یتیمان و بیوه زنان دچار مصیبت می‌شوند، از آن‌ها توجه کنیم و

خود را از فساد دنیا دور نگهداریم.

تعصبات و تبعیضات

^۱ ^۲ ای برادران، ایمان شما به عیسی مسیح، خداوند جلال با

ظاهربینی و تبعیض همراه نباشد. ^۲ اگر شخصی با انگشتر طلا و

لباس فاخر به عبادتگاه شما بیاید و فقیری با لباس پاره نیز وارد

شود ^۳ و شما به کسی که لباس فاخر دارد احترام بگذارید و به او

بگوئید: «بفرمائید بالا بنشینید» و به آن شخص فقیر بگوئید: «در

آنجا بایست یا در اینجا روی زمین پیش پای من بنشین.» ^۴ آیا با

این عمل در بین خود تبعیض قایل نمی‌شوید و آیا قضاوت شما از روی فکرهای پلید نیست؟

^۵ ای برادران عزیز گوش دهید، مگر خدا فقیران این دنیا را بر نگزیده است تا در ایمان دولتمند و وارث آن پادشاهی‌ای باشند، که او به دوستداران خود وعده داده است؟ ^۶ اما شما به فقرا بی‌احترامی می‌کنید. آیا دولتمندان به شما ظلم نمی‌کنند و شما را به پای میز محاکمه نمی‌کشند؟ ^۷ و آیا آن‌ها به نام نیکویی که خدا بر شما نهاده است، بی‌حرمتی نمی‌کنند؟

^۸ اگر شما حکم شاهانه‌ای را که در کلام خداست و می‌فرماید: «همسایه‌ات را همچون خویشان دوست بدار.» بجا آورید، کاری نیکو کرده‌اید. ^۹ اما اگر بین اشخاص از روی ظاهر آن‌ها تبعیض قایل شوید، مرتکب گناه شده‌اید و شریعت، شما را به عنوان خطا کار محکوم می‌نماید. ^{۱۰} چون اگر کسی تمام شریعت را رعایت کند و فقط یکی از احکام آن را بشکند باز هم در مقابل تمام شریعت مقصر است. ^{۱۱} زیرا همان کسی که گفت: «زنا نکن» همچنین گفته است: «قتل نکن» پس اگر تو از زنا پاک باشی ولی مرتکب قتل شوی باز هم شریعت را شکسته‌ای. ^{۱۲} مانند کسانی سخن گوئید و عمل نمائید که خداوند بر اساس این شریعت آزادی‌بخش، دربارهٔ آن‌ها قضاوت می‌کند. ^{۱۳} چون خدا بر کسی که رحم نکرده، رحیم نخواهد بود، ولی همیشه رحمت بر داوری کامیاب خواهد شد.

ایمان و عمل

^{۱۴} ای برادران، چه فایده دارد اگر کسی بگوید: «من ایمان دارم.»

ولی عمل او این را ثابت نکند؟ آیا ایمانش می تواند او را نجات بخشد؟^{۱۵} پس اگر برادری یا خواهری که برهنه و محتاج غذای روزانه خود باشد پیش شما بیاید^{۱۶} و یکی از شما به ایشان بگوید: «سلامت بروید و گرم و سیر شوید.» چه چیزی فایده آنها می شود؟ هیچ، مگر آنکه احتیاجات مادی آنها را برآورید.^{۱۷} همین طور ایمانی که با عمل همراه نباشد، مُرده است.

^{۱۸} ممکن است کسی بگوید: «تو ایمان داری و من اعمال نیکو، تو به من ثابت کن چگونه می توانی بدون اعمال نیک ایمان داشته باشی و من ایمان خود را به وسیلهٔ اعمال خویش به تو ثابت می کنم.»^{۱۹} تو ایمان داری که خدا واحد است، بسیار خوب! - شیاطین هم ایمان دارند و از ترس می لرزند.^{۲۰} ای مرد نادان، آیا نمی دانی که ایمان بدون اعمال نیک بی ثمر است؟^{۲۱} پدر ما ابراهیم به خاطر اعمال خود در وقتی که پسر خویش اسحاق را در قربانگاه تقدیم خدا کرد، نیک و عادل شمرده شد.^{۲۲} می بینی که چگونه ایمان او محرک اعمال او بود و اعمال او نیز ایمانش را کامل گردانید.^{۲۳} کلام خدا که می فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برایش عدالت شمرده شد.» تحقق یافت و او دوست خدا خوانده شد.^{۲۴} پس می بینید که چگونه انسان نه فقط از راه ایمان بلکه به وسیلهٔ اعمال خود عادل شمرده می شود.^{۲۵} همین طور راحابِ فاحشه نیز با اعمال نیک خود یعنی پناه دادن به قاصدان اسرائیلی و روانه کردن آنها از راه دیگر، عادل شمرده شد.^{۲۶} ایمان بی عمل مانند بدن بی روح، مرده است.

ای برادران من، درست نیست که بسیاری از شما در کلیسا معلم باشید، چون می دانید که روز داوری برای ما معلمین سخت تر خواهد بود.^۲ همه ما در چیزهای زیاد مرتکب خطایابی می شویم و کسی که در سخن گفتن خطا نکند، مرد کاملی است و می تواند تمام وجود خود را اداره کند.^۳ ما به دهان اسپان دهنه می زنیم تا مُطیع ما شوند و به این وسیله تمام بدن آن ها را به هر طرف که بخواهیم می گردانیم.^۴ همچنین می توان کشتی های بسیار بزرگ را که از بادهای سخت رانده می شوند، با استفاده از سُکان بسیار کوچکی مهار کرد و به هر جا که ناخدا بخواهد، هدایت نمود.^۵ زبان هم همین طور است: گرچه عضو کوچکی است، اما ادعاهای بزرگ دارد. چه جنگلهای بزرگ که با جَرَقه ای، آتش می گیرند.^۶ زبان هم آتش است! در میان تمام اعضای بدن ما زبان دنیایی از شرارت است که همه وجود ما را آلوده می سازد و دوران زندگی را به جهنم سوزانی مبدل می کند.^۷ انسان توانسته است و باز هم می تواند تمام حیوانات وحشی و پرندگان و خزندگان و ماهیان را رام کند.^۸ ولی هیچکس هرگز نتوانسته است زبان را تحت فرمان خود نگه دارد. زبان، شیر و رام نشدنی و پُر از زهر کشنده است.^۹ ما با آن، هم خداوند و پدر را حمد و سپاس می گوئیم و هم انسان را که به صورت خدا آفریده شده است، دشنام می دهیم.^{۱۰} از یک دهان هم شکر و سپاس شنیده می شود و هم دشنام! ای برادران، این کار درست نیست.^{۱۱} آیا یک چشمه می تواند از یک شکاف هم آب شیرین و هم آب شور جاری سازد؟^{۱۲} ای برادران، آیا درخت انجیر می تواند زیتون و یا درخت انگور، انجیر به بار آورد، همین طور چشمه آب شور هم نمی تواند از خود آب شیرین

حکمت آسمانی

^{۱۳} در میان شما چه کسی عاقل و فهیم است؟ او باید با زندگی و اعمال نیک خود که با تواضع حکمت همراه باشد، آن را نشان دهد. ^{۱۴} اما اگر شما حسود و تندخو و خودخواه هستید، از آن فخر نکنید و بر خلاف حقیقت دروغ نگوئید. ^{۱۵} این حکمت از عالم بالا نیست. این حکمتی است دنیوی، نفسانی و شیطانی. ^{۱۶} چون هر جا حسد و خودخواهی هست، در آنجا بی‌نظمی و هر نوع شرارت است. ^{۱۷} اما حکمتی که از عالم بالا است اول پاک، بعد صلح‌جو، باگذشت، مهربان، پُر از شفقت و ثمرات نیکو، بی‌غرض و بی‌ریاست. ^{۱۸} نیکی و عدالت میوهٔ بذرهایی است که به دست صالحان در صلح و صفا کاشته می‌شود.

علاقه به مادیات

^{۱۴} علت نزاع‌ها و دعواهایی که در میان شما وجود دارد چیست؟ آیا علت آن‌ها خواهش‌های نفسانی شما نیست، خواهش‌هایی که در تمام اعضای بدن شما در جنگ و ستیز هستند؟ ^۲ شما به چیزهایی که ندارید، چشم می‌دوزید و برای آن حاضرید دیگران را بکشید. حسد می‌ورزید، ولی نمی‌توانید آنچه را که می‌خواهید به دست آورید، پس با یکدیگر به جنگ و نزاع می‌پردازید. شما آنچه را که می‌خواهید ندارید چون آن را از خدا نخواستید. ^۳ اگر از خدا هم بخواهید، دیگر حاجت شما برآورده نمی‌شود، چون با نیت بد و به منظور ارضای هوسهای خود آن را

می‌طلبید.^۴ ای مردمان خطاکار و بی‌وفا، آیا نمی‌دانید که دلبستگی به این دنیا دشمنی با خداست؟ هر که بخواهد دنیا را دوست داشته باشد، خود را دشمن خدا می‌گرداند.^۵ آیا گمان می‌کنید کلام خدا بی‌معنی است، وقتی می‌فرماید: «خدا به آن روحی که خود در دل انسان قرار داده، به شدت علاقه دارد و نمی‌تواند تمایل انسان را به چیزی جز خود تحمل نماید؟»^۶ اما فیضی که خدا می‌بخشد از این هم بیشتر است، چون کلام او می‌فرماید: «خدا با متکبران مخالفت می‌کند، اما به فروتنان فیض می‌بخشد.»

^۷ پس از خدا اطاعت کنید و در مقابل ابلیس مقاومت نمائید تا از شما بگریزد.^۸ خود را به خدا نزدیک سازید که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را بشوئید. ای ریاکاران، دل‌های خود را پاک سازید،^۹ ماتم بگیرید و گریه و ناله کنید. خنده شما به گریه و خوشی شما به غم مبدل شود.^{۱۰} در پیشگاه خدا خود را فروتن سازید و او شما را سرافراز خواهد ساخت.

داوری نسبت به برادر

^{۱۱} ای برادران، از یکدیگر بد نگوئید. کسی که به برادر خود بد بگوید و یا نسبت به او داوری کند، در واقع از شریعت بد گفته و آن را محکوم ساخته است. اگر نسبت به شریعت داوری کنی تو داور شریعت شده‌ای و نه بجا آورنده آن.^{۱۲} دهنده شریعت و داور یکی است، یعنی همان کسی که قادر است انسان را نجات بخشد یا نابود سازد. پس تو کیستی که درباره همسایه خود داوری می‌کنی؟

لاف زدن

^{۱۳} ای کسانی که می گوئید: «امروز یا فردا به فلان شهر می رویم و در آنجا تجارت می کنیم و سود فراوان می بریم.» ^{۱۴} ولی نمی دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما مثل بخاری است که لحظه ای دیده می شود و بعد از بین می رود. ^{۱۵} در عوض آن، شما باید بگوئید: «اگر خدا بخواهد ما زنده می مانیم تا چنین و چنان کنیم.» ^{۱۶} شما از خودستایی لذت می برید و این صحیح نیست. ^{۱۷} بنابراین کسی که بداند نیکی چیست و نیکی نکند، گناه کرده است.

اخطار به ثروتمندان

۵ ^۱ و شما ای ثروتمندان، برای بلایایی که بر سر شما می آید گریه و زاری کنید. ^۲ ثروت شما تباه گشته و لباس های زیبای تان را کویه خورده است. ^۳ طلا و نقره شما زنگ زده و زنگ آن ها دلیلی بر ضد شما است و مانند آتش بدن شما را خواهد سوزانید. شما حتی تا این روزهای آخر هم به اندوختن ثروت مشغولید. ^۴ مزد کارگرانی که مزارع شما را درو کرده اند و شما آن ها را نپرداخته اید، علیه شما فریاد می کنند و ناله دروگران به گوش خداوند لشکرهای آسمانی رسیده است. ^۵ شما در روی زمین به عیش و نوش پرداخته اید و خود را مانند گوساله چاق برای روز ذبح آماده کرده اید. ^۶ شخص عادل و نیک را ملامت کرده اید و در حالی که هیچ مقاومتی نمی کرد، او را کشتید.

صبر و دعا

^۷ ای برادران، تا روز ظهور خداوند صبر کنید. زارع برای برداشت محصول پُر ارزش زمین با صبر و شکیبایی منتظر باران‌های خزان و بهاری می‌ماند. ^۸ شما نیز صبر کنید و قوی دل باشید، زیرا آمدن خداوند نزدیک است. ^۹ ای برادران، پشت سر دیگران از آن‌ها شکایت نکنید، مبادا خود شما ملامت شوید، چون داور عادل آمادهٔ داوری است. ^{۱۰} ای برادران، صبر و تحملِ انبیایی که به نام خداوند سخن می‌گفتند، برای شما نمونه باشد. ^{۱۱} ما اشخاص صبور و پُر تحمل را خوشبخت می‌دانیم. شما دربارهٔ صبر و تحمل ایوب شنیده‌اید و می‌دانید خداوند آخر با او چه کرد. زیرا خداوند بی‌نهایت رحیم و مهربان است.

^{۱۲} ای برادران، از همه مهمتر این است که سوگند نخورید، نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ چیز دیگر، بلکه بلی شما واقعاً بلی باشد و نه شما نه، مبادا محکوم شوید.

^{۱۳} پس اگر برای کسی از شما مصیبتی روی دهد، او دعا کند و اگر خوشحال است، سرود بخواند. ^{۱۴} اگر کسی از شما بیمار است، از رهبران کلیسا بخواهد تا برای او دعا کنند و به نام خداوند بدن او را با روغن تدهین نمایند. ^{۱۵} دعایی که از روی ایمان باشد، بیمار را نجات خواهد بخشید. خداوند او را از بستر بیماری بلند خواهد کرد و اگر مرتکب گناهی شده باشد، بخشیده خواهد شد. ^{۱۶} نزد یکدیگر به گناهان خود اقرار نمائید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای صمیمانهٔ شخص عادل بسیار مؤثر است.

^{۱۷} الیاس دارای عواطف و احساسات مانند خود ما بود، ولی وقتی

از صمیم قلب دعا کرد که باران نبارد، سه سال و شش ماه در آن سرزمین باران نبارید.^{۱۸} دوباره دعا کرد و باران بارید و زمین بار دیگر محصول به بار آورد.

^{۱۹} ای برادران، اگر کسی از شما از حقیقت منحرف گردد و شخص دیگری او را برگرداند،^{۲۰} یقین داشته باشید که هرکس گناهکاری را از راه نادرست بازگرداند، جانی را از مرگ خواهد رهانید و گناهان بیشماری را خواهد پوشانید.